

حل و فصل اختلافات در مورد شیوه‌های جبران خسارت در سازمان جهانی

تجارت

دکتر ابراهیم بیگزاده *

زیبا صادقی دزکی **

چکیده

با وجود قواعد عامی که در مقررات حقوق بین‌الملل عرفی و طرح پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها وجود دارد، در نظام سازمان جهانی تجارت برای تحقق مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها و در نتیجه امکان طرح دعوا علیه آن‌ها روش‌های خاصی پیش‌بینی شده که تا حدودی از مقررات عام موجود فاصله گرفته‌اند. در این نظام حقوقی مسئولیت دولت‌ها و امکان طرح دعوا علیه آن‌ها در نهادهای حل اختلاف تنها محدود به موارد تخلف و نقض تعهد نبوده و امکان طرح دعوا علیه دولتی که بدون ادعای نقض مقررات در عمل باعث نقض حقوق دیگران شده است نیز وجود دارد. هم‌چنین در این نظام حقوقی علاوه بر پیش‌بینی شیوه‌های خاص طرح دعوا، مقررات ویژه‌ای نیز در مورد نحوه‌ی تصمیم‌گیری نهادهای حل اختلاف و الزام ناشی از این تصمیمات و اجرای آن‌ها وجود دارد که کم و بیش با تصمیمات سایر نهادهای قضایی بین‌المللی متفاوت می‌باشد. در این نوشتار به بررسی شیوه‌های متفاوت طرح دعوا در سازمان جهانی تجارت و ماهیت تصمیمات نهادهای حل اختلاف خواهیم پرداخت.

کلید واژگان

دعوی مستند به نقض مقررات، دعوی بدون ادعای نقض مقررات، دعوی ناشی از وجود یک وضعیت، توصیه، پیشنهاد.

* دانشیار دانشکده‌ی حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

** دانش‌آموخته‌ی دکتری حقوق بین‌الملل.

مقدمه

تحولات فناوری و رشد و توسعه‌ی فراگیر شبکه‌های ارتباطی و اطلاعاتی از یک سو، و کاهش موانع تجاری از طریق اتخاذ سیاست‌های تجارت آزاد از سوی دیگر، موجب گسترش و افزایش روزافزون داد و ستد و در عین حال تشدید رقابت در بازارهای بین‌المللی طی دهه‌های اخیر شده است. این عوامل اقتصاد امروز را به اقتصادی جهانی تبدیل کرده‌اند، به گونه‌ای که وضع سیاست‌های تجاری کاملاً متأثر از جهانی شدن اقتصاد به عنوان یک واقعیت اجتماعی است.

با این وصف مسئله‌ی تجارت آزاد به یکی از مهم‌ترین پایه‌های اقتصاد جهانی تبدیل شده و کشورها خواسته یا ناخواسته با این موج فراگیر هم‌گام شده‌اند. تشکیل سازمان جهانی تجارت در سال ۱۹۹۵ اهمیت پرداختن به مسائل مربوط به تجارت بین‌الملل را بیش از پیش آشکار ساخته و حضور فعال در صحنه‌ی جهانی و حضور در این سازمان را غیرقابل اجتناب کرده است.^۱ پیوستن روزافزون کشورها به این سازمان و حرکت در جهت آزادسازی رژیم‌های تجاری در کشورهای صنعتی و در حال توسعه، مویده «این ادعاست که آزادسازی تجارت یکی از عوامل اصلی تسریع روند جهانی شدن در چند دهه‌ی اخیر بوده است».^۲ به هر حال به نظر می‌رسد که «این موج شتابنده پیش می‌رود و ما نیز ناگزیریم خود را در مسیر این حرکت قرار دهیم والا ایستادن در مقابل این جریان،

۱. وقتی که موافقت‌نامه‌ی عمومی تعرفه و تجارت (گات) در اول ژانویه‌ی ۱۹۴۸ به اجرا گذاشته شد، فقط بیست و سه عضو متعاقد داشت که تقریباً نیمی از آن‌ها کشورهای در حال توسعه بودند. اکنون تعداد اعضای سازمان به حدود یکصد و پنجاه عضو رسیده است. این افزایش شمار اعضا نشان از ارزشی است که جامعه‌ی جهانی برای این سازمان قائل است.

۲. صادقی، محسن؛ شهیکی تاش، محمدنبی، «دامپینگ و تجارت جهانی (با نگاهی به نارسایی‌های حقوقی و چالش‌های اقتصادی ایران پس از الحاق به WTO)»، مجموعه مقالات راهبرد توسعه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و عضویت در سازمان جهانی تجارت «فرصت‌ها و چالش‌ها»، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، چاپ اول، تیرماه ۱۳۸۳، ص. ۴۰۳.

ماحصلی جز محو شدن از صحنه‌ی تجارت جهانی نخواهد داشت.^۳

با این حال، اصل تجارت آزاد در کنار مزیت‌هایی که دارد، همواره خطر سوءاستفاده را در اقتصاد کشورها افزایش می‌دهد. هر چقدر که امکان تجارت آزاد بیش‌تر و ساده‌تر می‌شود، احتمال استفاده‌ی نادرست از این آزادی، نقض تعهدات تجاری و ایجاد پیامدهای سوء در صنایع داخلی کشورهای واردکننده‌ی محصولات خارجی افزایش می‌یابد. بنابراین مسلم است که نمی‌توان ورود آزاد و بدون محدودیت شرکت‌های تجاری به دنیای تجارت بین‌الملل را صرفاً فرصتی مناسب برای آن‌ها دانست، چراکه ممکن است به همان اندازه که آن‌ها بخت ورود به بازارهای تجاری خارجی را به دست می‌آورند، فرصت‌های خود را در بازارهای داخلی از دست بدهند. از دست دادن بازارهای داخلی، به ویژه اگر به دلیل نادیده گرفتن اصول رقابت عادلانه باشد، منجر به تهدید و ایجاد خسارت برای صنایع داخلی و احتمالاً تمایل دولت‌ها برای مداخله و جلوگیری یا جبران این خسارت‌ها خواهد شد. بنابراین اگر دولت‌ها بدانند که در صورت ورود خسارت، امکان طرح دعوا و پیگیری حق خود را خواهند داشت و راه کارهای لازم برای جبران خسارت‌هایی که متحمل شده‌اند برای‌شان فراهم است، آزادی تجارت را آسان‌تر و در سطحی گسترده‌تر خواهند پذیرفت. با این وصف و با توجه به این‌که در حال حاضر سازمان جهانی تجارت متولی اصلی رفع موانع تجاری و ترویج تجارت آزاد در جهان است، باید دید که این سازمان تا چه اندازه توانسته است با در نظر گرفتن ضرورت‌های نظام تجاری، راه کارهای مناسبی را در این خصوص پیش‌بینی نماید.

۳. جکسون، جان، «نهادهای بین‌المللی تجارت: گات و سازمان جهانی تجارت»، ترجمه‌ی محمدجعفر قنبری جهرمی، مجله حقوقی، دفتر خدمات حقوق بین‌الملل جمهوری اسلامی ایران، شماره‌ی ۲۸، ۱۳۸۲، ص. ۱۵۸.

اول) شیوه‌های طرح دعوا در سازمان جهانی تجارت

بر اساس مقررات حقوق بین‌الملل، از جمله مقررات حقوق بین‌الملل عرفی و طرح پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، متخلفانه بودن عمل (در کنار قابلیت انتساب عمل به دولت) شرط لازم برای طرح مسئله‌ی مسئولیت دولت‌ها محسوب می‌شود. البته نظام‌گات و سازمان جهانی تجارت کمی از این قاعده فراتر رفته‌اند؛ در این نظام حقوقی می‌توان سه شیوه‌ی متفاوت طرح دعوا را ملاحظه کرد که دول عضو از طریق آن‌ها خواهان تامین و حفظ حقوق خود می‌باشند. این شیوه‌ها عبارت‌اند از طرح دعوا با ادعای نقض مقررات، طرح دعوا بدون ادعای نقض مقررات و طرح دعوا به دلیل وجود یک وضعیت.^۴

بند ۱ ماده‌ی ۲۳ گات ۱۹۹۴ با عنوان «نقض یا خدشه‌دار شدن منافع» مقرر می‌دارد:

«چنان‌چه هریک از دول عضو ملاحظه کند که به دلیل:

الف) قصور دولت متعاهد دیگر در انجام تعهداتی که به موجب این موافقت‌نامه

برعهده داشته است؛ یا

ب) انجام هرگونه اقدامی توسط دولت متعاهد دیگر اعم از این که مغایر با مواد این

۴. در طرح پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل، دو نوع اخیر به عنوان اسباب مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها پیش‌بینی نشده‌اند. با این حال کمیسیون تلاش کرده است که مقررات حقوق بین‌الملل عرفی در خصوص مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها برای خسارت‌های ناشی از اعمال غیرمتخلفانه‌ی بین‌المللی را نیز تدوین نماید. البته عملکرد کمیسیون در این بخش به قوت عملکرد آن در زمینه‌ی تدوین مقررات مربوط به مسئولیت دولت‌ها در نتیجه‌ی اعمال متخلفانه نبوده است. در ماده‌ی ۱ طرح پیش‌نویس صلاحیت موضوعی سند این گونه تعریف شده است:

«مقررات حاضر قابل اعمال هستند بر:

الف) اقدام‌هایی که به موجب حقوق بین‌الملل ممنوع نشده‌اند اما متضمن تهدید به ایجاد خسارت‌های خاص برون‌مرزی می‌باشند؛ و

ب) دیگر اقدام‌هایی که به موجب حقوق بین‌الملل منع نشده‌اند و متضمن تهدیدی که در بند «الف» گفته شد نیز نمی‌باشند اما از طریق آثار فیزیکی خود سبب ایجاد این خسارت می‌گردند».

موافقت‌نامه باشد یا نه؛ یا

(ج) وجود هرگونه وضعیت دیگر

منفعتی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم به موجب این موافقت‌نامه باید به وی تعلق می‌گرفته است نقض یا خدشه‌دار شده است یا ممانعتی در دستیابی به اهداف مقرر در موافقت‌نامه پیش آمده است، می‌تواند به قصد اصلاح وضعیت مورد بحث، به دولت یا دولت‌های متعاقد دیگری که موضوع به آن‌ها مربوط می‌شود، پیشنهاد یا اظهاریه‌ی کتبی بدهد. به این ترتیب هر دولت عضو دریافت‌کننده، باید نظر خود را نسبت به این اظهاریه یا پیشنهاد اعلام نماید.»

البته باید توجه داشت که بند ۱ ماده‌ی ۲۳ با یک شرط مقدماتی شروع می‌شود و حق طرح دعوا در هر یک از فرض‌های بالا را برای دولتی مقرر می‌دارد که «معتقد باشد منافی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم از اجرای این موافقت‌نامه انتظار داشته است، نقض یا خدشه‌دار شده است یا مانعی در رسیدن به اهداف مقرر در موافقت‌نامه برای وی ایجاد گردیده است». این مقدمه باید یکی از شروط اعمال حق، به نحو مقرر در شق‌های «الف»، «ب» و «ج» شمرده شود.

در ادامه به بررسی شیوه‌های متفاوت طرح دعوا خواهیم پرداخت.

الف) طرح دعوا به دلیل نقض مقررات

اولین و معمول‌ترین شیوه‌ی طرح دعوا، «طرح دعوا به دلیل نقض مقررات»^۵ نامیده می‌شود (بند «الف»). در این شیوه باید ثابت شود که در نتیجه‌ی قصور یکی از دول عضو در ایفای تعهداتی که به موجب مقررات‌گات داشته است، منافع دولت دیگری نقض یا خدشه‌دار شده است.

دعوایی که با ادعای نقض مقررات مطرح می‌شود وقتی موفق خواهد بود که ثابت شود دولت خواننده در انجام تعهداتی که به موجب گات ۱۹۹۴ یا دیگر موافقت‌نامه‌های سازمان داشته قصور کرده و این موضوع منجر به نقض یا خدشه‌دار شدن منافعی که به موجب موافقت‌نامه‌های مربوط به موضوع به خواهان تعلق می‌گرفته، گردیده است. با اثبات این دو شرط در پنل یا محکمه‌ی تجدیدنظر، خواهان دعوا را خواهد بُرد.

در عمل، شرط اول، یعنی نقض مقررات، به نسبت شرط دوم، یعنی نقض یا خدشه‌دار شدن منافع، اهمیت بیش‌تری دارد؛ چرا که اگر ادعای نقض مقررات ثابت شود، نقض یا خدشه‌دار شدن منافع مفروض خواهد بود. این پیش‌فرض در مقررات گات (بند ۸ ماده‌ی ۳ موافقت‌نامه‌ی حل اختلاف) نیز پیش‌بینی شده است. این مقرر همان‌طور که از عنوانش پیداست، صرفاً مربوط به دعاوی است که با ادعای نقض مقررات مطرح می‌شوند. پیش‌فرضی که در این ماده مقرر شده این است که ادعای نقض یا خدشه‌دار شدن منافع در صورت اثبات نقض مقررات پذیرفته خواهد شد.^۶

اثر این پیش‌فرض حقوقی این است که بار اثبات دعوا را تغییر می‌دهد. بنابراین، با اثبات ادعای نقض مقررات، نقض حقوق و منافع مفروض خواهد بود مگر این که دولت خواننده بتواند خلاف آن را ثابت کند. با این حال، در رویه‌ی قضایی سابقه‌ای وجود ندارد که نشان‌دهنده‌ی اثبات خلاف این فرض در گات یا سازمان جهانی تجارت باشد. عملاً پنل‌های گات هیچ استدلالی را برای اثبات این ادعا که نقض مقررات اثر تجاری منفی در پی نداشته است، نپذیرفته‌اند؛^۷ مثلاً این استدلال که بگوییم با وجود وضع مقررات مربوط به

6. Appellate Body Report, United States-Measure Affecting Imports of Woven Wool Shirts and Blouses from India (US-Wool Shirts and Blouses), WT/DS33/AB/R, 25 April 1997.

7. Panel Report, Italian Discrimination against Imported Agricultural Machinery (Italy-Agricultural Machinery), L/833 - 7S/60, 23 October 1958, para. 21-22.

سهیمه‌بندی وارداتی، این سهیمه‌بندی‌ها در عمل اجرا نشده‌اند، برای اثبات عدم ورود خسارت به حقوق و منافع سایرین کافی نخواهد بود، زیرا مقرر نمودن این سهیمه‌ها به خودی خود سبب افزایش هزینه‌ی معاملات و تردید در انجام پروژه‌های سرمایه‌گذاری می‌گردد.^۸ به نظر می‌رسد که پنل‌گات در عمل تا آن‌جا پیش رفته که این پیش‌فرض را به عنوان فرضی غیرقابل انکار قلمداد نموده است.^۹ چه این‌که هرکجا که خواننده تلاش کرده است فرض ورود خسارت را رد کند، پنل‌ها به صورت کاملاً گذرا و در یک بند در انتهای گزارش خود به تایید نقض یا خدشه‌دار شدن منافع پرداخته‌اند.

ب) طرح دعوا بدون ادعای نقض مقررات

شیوه‌ی دوم طرح دعوا، شیوه‌ای است که به موجب شق «ب» از بند ۱ ماده‌ی ۲۳ مقرر شده و اصطلاحاً «طرح دعوا بدون ادعای نقض مقررات»^{۱۰} نامیده می‌شود. طرح دعوا بدون ادعای نقض مقررات برای به چالش کشاندن اقدام‌هایی است که در تعارض با مقررات گات ۱۹۹۴ یا دیگر موافقت‌نامه‌های سازمان نیستند، اما ارتکاب آن‌ها منجر به «نقض یا خدشه‌دار شدن منفعتی» شده است.

با وجود این‌که این شیوه‌ی جبران خسارت در موارد محدودی استفاده می‌شود، ویژگی مهمی در نظام حل و فصل اختلافات سازمان جهانی تجارت به شمار می‌رود. پیش‌بینی این شیوه‌ی خاص طرح دعوا یک پرسش مهم را مطرح می‌نماید و آن این‌که آیا عمل به این شیوه، امنیت و پیش‌بینی‌پذیری نظام حل و فصل اختلافات سازمان

8. Panel Report, Japan's Measures on Imports of Leather (Japan-Leather), L/5042-27S/118, 10 November 1980, para. 54-56.

9. Panel Report, United States Taxes on Petroleum and Certain Imported Substances (US-Superfund Act), L/6175 - 34S/136, 5 June 1987, para. 5.1.7.

10. Non-violation Complain.

جهانی تجارت را تهدید نمی‌کند؟ منتقدین اعتقاد دارند:

«این شیوه‌ی طرح دعوا شرایط خاص خود را دارد. این شیوه گویای آن است که در حیطه‌ی گسترده‌ی تخلفات، نوع خاصی از تخلفات نیز وجود دارد که هنوز به آن‌ها پی نبرده‌ایم و بعد از بررسی‌های طولانی نمی‌توانیم آن‌ها را مشخص نماییم. اما این تخلفات وجود دارند، و اگر به وجود آن‌ها و کسی که آن‌ها را مرتکب شده است پی ببریم، مجازات‌هایی را برای آن‌ها در نظر خواهیم گرفت».^{۱۱}

«این در حالی است که موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت تمام حقوق و تعهداتی که اعضا در مذاکرات خود پذیرفته‌اند را پوشش می‌دهند، بنابراین اصل حاکمیت اراده ایجاب می‌کند که مسئولیت دولت‌ها صرفاً در برابر نقض تعهداتی پذیرفته شود که صراحتاً مورد قبول دولت‌ها واقع شده است. به عبارت دیگر پیش‌بینی این شیوه بدان معنی خواهد بود که موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت جامع و مانع نیستند».^{۱۲}

در پاسخ باید گفت که علت پیش‌بینی این شیوه، آن است که یک موافقت‌نامه‌ی تجاری مانند موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت هرگز نمی‌تواند همه‌ی مقررات مربوط به موضوع را به طور کامل و بدون هیچ‌گونه کاستی تنظیم نماید. در نتیجه ممکن است اعضای سازمان کارهایی انجام دهند که با مقررات موافقت‌نامه منطبق باشد، اما به یکی از اهداف سازمان آسیب وارد نماید یا تعهدات مندرج در موافقت‌نامه را تحلیل بیرد. به عبارت دیگر، منفعتی که یک دولت عضو به طور معقول از انجام تعهدات مقرر در سازمان توسط دولت‌های دیگر انتظار دارد ممکن است هم به واسطه‌ی انجام اقدام‌های

11. World Trade Organization, Negotiating Group on Dispute Settlement, "Non-Violation Complaints under GATT Article XXIII: 2, Note by the Secretariat of the WTO", MTN.GNG/NG13/W/31, 14 July 1989, fn. 12, at: www.worldtradelaw.net/history/urdsu/urdsu.

12. World Trade Organization, A Handbook on the WTO Dispute Settlement System, Cambridge University Press, 2004, p. 32.

مغایر با موافقت‌نامه و هم به علت ارتکاب اعمال منطبق با موافقت‌نامه، خدشه‌دار شود. چنان‌چه یکی از دول عضو با انجام اقدام‌هایی که منطبق با مقررات موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت هستند، باعث خدشه‌دار شدن منافع عضو دیگری شود، تعادل میان تعهدات تجاری اعضا برهم خواهد خورد. طرح دعوا بدون ادعای نقض مقررات امکان بازگشت این تعادل را فراهم می‌کند.

با وجود همه‌ی انتقادات، نه تنها شیوه‌ی طرح دعوا بدون ادعای نقض مقررات هم‌چنان اعتبار خود را حفظ کرده بلکه به عنوان امتیاز نظام حل اختلاف سازمان جهانی تجارت نیز محسوب گردیده است.^{۱۳}

با این حال، طرح دعوا بدون ادعای نقض مقررات قلمرو اجرایی وسیعی ندارد. پنل‌ها و محاکم تجدیدنظر گفته‌اند که این شیوه «باید مستند به دلیل بوده و به عنوان یک شیوه‌ی استثنایی طرح دعوا باقی بماند».^{۱۴} یکی از پنل‌ها اضافه کرده است که: «دلیل این امر واضح است؛ دولت‌های عضو سازمان در مورد مقرراتی که با آن موافق بوده‌اند مذاکره نموده و تعهدات مورد قبول خود را در چارچوب این مقررات تعیین کرده‌اند؛ بنابراین تنها می‌توان پذیرفت که استفاده از این شیوه گاه به طور استثنایی، در مورد چالش‌های مربوط به اقدام‌هایی که مغایر با این مقررات نیستند، مطرح گردد».^{۱۵} ضمن آن‌که در این مورد هیچ‌گونه پیش‌فرضی مبنی بر این که منافع یا حقوقی نقض یا خدشه‌دار شده‌اند وجود ندارد. بنابراین، برای این که دولت خواهان بتواند در دعوایی که بدون ادعای نقض مقررات

13. Jackson, John, "Dispute Settlement in the WTO: Policy and Jurisprudential Considerations", Research Seminar in International Economics, University of Michigan, Discussion Paper No. 419, 1998, p. 12, at: www.fordschool.umich.edu/rsie/workingpapers/Papers401-425/r419.pdf.

14 Panel Report in: Japan-Measures Affecting Consumer Photographic Film and Paper (Japan-Film), WT/DS44/R, 31 March 1998, para. 10.37.

15. Ibid., para. 10.36.

مطرح کرده موفق باشد، باید تحقق شرایط زیر را اثبات نماید:

- (۱) انجام اقدام‌های مورد نظر توسط یکی از دولت‌های عضو سازمان؛
 - (۲) وجود منفعت یا سودی که به موجب موافقت‌نامه‌های مربوط به موضوع، انتظار حصول آن‌ها می‌رفته است؛
 - (۳) نقض یا خدشه‌دار شدن منافع در اثر ارتکاب اعمال مورد نظر.^{۱۶}
- شرط اول بدین معناست که اقدام‌های انجام شده قابل انتساب به دولت خوانده باشند. در خصوص شرط دوم، دولت خواهان به طور معقول و متعارف توقع داشته که با توجه به امتیازات مقرر در موافقت‌نامه‌های سازمان، بتواند از امکان دسترسی به بازار دولت خوانده یا منافع خاصی در آن بازار برخوردار باشد و در مورد شرط سوم، نقض یا خدشه‌دار شدن منافع زمانی اتفاق می‌افتد که اقدام‌های مورد نظر باعث برهم خوردن شرایط معمول رقابت باشد و منطقی‌اً دولت خواهان در زمان انجام مذاکرات مربوط به امتیازات قادر به پیش‌بینی این موضوع نبوده است.^{۱۷}

رویه‌ی نهادهای حل اختلاف سازمان موید این است که نه تنها پزل‌ها و مراجع تجدیدنظرگات و سازمان جهانی تجارت تمایلی به تعریف مفاهیم مبهمی مانند طرح دعوا بدون ادعای نقض مقررات، نقض یا خدشه‌دار نمودن حقوق و ایجاد مانع در پیش‌برد اهداف نداشته‌اند، که از مواجهه با این مفاهیم دشوار طفره رفته‌اند و تنها به بیان این مسئله که «هرکجا اقدام‌های انجام شده در تعارض با مقررات گات نباشند، این اقدام‌ها باید مشخصاً موجب نقض یا خدشه‌دار شدن حقوق شده باشند» بسنده کرده‌اند. به نظر می‌رسد که این نحوه‌ی برخورد مانع از طرح گسترده‌ی این نوع از دعاوی در نهادهای حل اختلاف شده و به نوعی سبب شده که ثبات و پیش‌بینی‌پذیری نظام حل و فصل اختلافات سازمان

16. Panel Report, European Communities Measures Affecting Asbestos and Asbestos-Containing Products (EC-Asbestos), WT/DS135/AB/R, 12 March 2001, para. 83.

17. Legal Arguments Concerning Non-Violation Claims, p. 16, at: www.WTO.org.

کم‌تر تهدید شود.^{۱۸}

در هر حال در طرح دعوا بدون ادعای نقض مقررات موارد زیر باید لحاظ گردند:

- ۱- بار اثبات دعوا بر عهده‌ی خواهان است: بر خلاف دعاوی همراه با ادعای نقض مقررات که در آن‌ها نیازی به اثبات ورود ضرر و زیان نیست، در اختلافات بدون ادعای نقض مقررات از دولت خواهان خواسته می‌شود که ادعای ورود خسارت ناشی از اقدام‌های دولت خوانده را اثبات نماید.
- ۲- عدم الزام دولت خوانده به توقف اقدام‌های موضوع دعوا: در این‌گونه دعاوی برخلاف دعاوی همراه با ادعای نقض مقررات، الزامی به پایان دادن سریع اقدام‌های موضوع دعوا نیست.
- ۳- اخذ غرامت به عنوان بخشی از راه‌حل مسالمت‌آمیز: با وجود این‌که در دعاوی همراه با ادعای نقض مقررات، اخذ غرامت راه‌حلی موقتی است که در صورت عدم اجرای تصمیم نهادهای حل اختلاف توسط دولت خاطی، به‌وسیله‌ی دولت خواهان و بنابر شرایط خاص موقتاً قابل اجرا خواهد بود، در دعاوی بدون ادعای نقض مقررات، غرامت به عنوان بخشی از راه‌حل مرضی‌الطرفین محسوب می‌شود.^{۱۹}

ج) طرح دعوا به دلیل وجود یک وضعیت خاص

شیوه‌ی سوم طرح دعوا، استناد به شق «ج» از بند ۱ ماده‌ی ۲۳ می‌باشد که اصطلاحاً

18. Pescatore, P., "The GATT Dispute Settlement Mechanism: Its Present Situation and Its Prospect", Journal of World Trade, Vol. 27, 1993, p. 5.

۱۹. دژم‌خو، غزاله، «نظام حل و فصل اختلافات در سازمان جهانی تجارت»، سازمان جهانی تجارت ساختار، قواعد و موافقت‌نامه‌ها، شرکت چاپ و نشر بازرگانی، چاپ اول، ۱۳۸۵، صص. ۴۹۸-۴۹۷.

«طرح دعوا به دلیل وجود یک وضعیت یا حالت»^{۲۰} نامیده می‌شود. آن‌چه از این اصطلاح به صورت تحت‌اللفظی فهمیده می‌شود این است که این شیوه می‌تواند وجود هر وضعیتی را به صرف منجر شدن به «نقض یا خدشه‌دار شدن حقوق و منافع»، شامل شود. با این حال، باید گفت که هیچ سابقه‌ای در خصوص این دست از دعاوی در نظام حل اختلاف گات و یا سازمان جهانی تجارت وجود ندارد.

بررسی پیشینه‌ی مذاکرات نشان می‌دهد که هدف دولت‌ها از وضع شق «ج» که «طرح دعوا به دلیل وجود یک وضعیت» نامیده می‌شود این بوده است که در وضعیت‌هایی که ضرورت‌های اقتصادی (مانند رکود اقتصادی، نرخ بالای بیکاری، سقوط قیمت کالاها، مشکلات مربوط به تراز پرداخت‌ها و مانند آن) اقتضا می‌نماید، دولت‌ها بتوانند با توسل به این شیوه، بر مشکلات فائق آیند.

با این حال نه در رویه‌ی قضایی گات و نه سازمان جهانی تجارت، خط‌مشی در مورد شرایط مشروعیت دعوایی که به دلیل وجود یک وضعیت مطرح می‌شود وجود ندارد. گرچه نمی‌توان امکان طرح این نوع از دعاوی را انکار کرد، زیرا تا کنون دولت‌ها تصمیم به حذف این مقررات نگرفته‌اند؛ بنابراین از دید قواعد و مقررات موجود هم‌چنان این امکان برای دولت‌ها وجود دارد که از این شیوه‌ی طرح دعوا استفاده نمایند، اگرچه به نظر بعید می‌رسد که در عمل دولتی تصمیم به استفاده از چنین شیوه‌ای بگیرد. از آن‌جا که هیچ پرونده و یا رویه‌ی عملی در این خصوص وجود ندارد، نمی‌توان با اطمینان گفت که طرح دعوا و شیوه‌های جبران خسارت پیشنهادی در این حالت چه تفاوت‌هایی با طرح دعوا بدون ادعای نقض مقررات دارد.^{۲۱} از متن ماده‌ی مذکور چنین استنباط می‌شود که برای استفاده از این شیوه‌ی طرح دعوا، لازم است وضعیت‌هایی غیر از آن‌چه در شق‌های «الف»

20. Situation Complain.

21. Petersmann, "Violation and Non-Violation Complaints in Public International Trade Law", 34 German Yearbook of International Law, 1991, p. 175.

و «ب» مقرر شده وجود داشته باشد.

در نهایت باید گفت که طرح دعوا با ادعای نقض مقررات، متداول‌ترین شیوه‌ی طرح دعواست. تعداد پرونده‌هایی که بدون ادعای نقض مقررات مطرح شده‌اند بسیار کم می‌باشند و تاکنون هیچ دعوایی با استناد به وجود یک وضعیت، منجر به گزارش پنل یا محکمه‌ی تجدیدنظر نشده است.^{۲۲}

بنابراین، می‌توان گفت که در عمل، تنها دو شیوه‌ی طرح دعوا وجود دارد که در روند حل اختلاف سازمان به کار گرفته می‌شوند: یکی طرح دعوایی که همراه با ادعای نقض مقررات است و دیگری که کاربرد بسیار کم‌تری دارد، طرح دعوا بدون ادعای نقض مقررات. ممکن است در یک پرونده هم‌زمان هر دو ادعا مطرح شوند، برای مثال در موردی که پنلی به این نتیجه برسد که نقض مقررات اتفاق نیفتاده است، خواهان می‌تواند اثبات نماید که دعوای مطرح شده بدون ادعای نقض مقررات بوده، اما منجر به نقض و خدشه‌دار شدن حقوق و منافع وی شده است.^{۲۳}

دوم) تصمیم‌گیری نهادهای حل اختلاف سازمان جهانی تجارت و ماهیت تصمیمات آن‌ها

الف) انتخاب شیوه‌ی مناسب جبران خسارت

با توجه به شیوه‌های مختلف جبران خسارت در نظام حل اختلاف سازمان جهانی تجارت، این پرسش مطرح می‌شود که آیا سازمان جهانی تجارت این اختیار را به دولت محکوم‌له می‌دهد که میان توقف اعمال متخلفانه و پرداخت غرامت دست به انتخاب بزند؟

22. Hudec, Robert, "Enforcing International Trade Law: The Evolution of the Modern GATT Legal System", p. 7, at: www.SSRN.com.

23. Panel Report, Japan-Film, op.cit., para. 32, & Panel Report, EC-Asbestos, op.cit., para. 18.

در پاسخ باید گفت که میان شیوه‌های مختلف جبران خسارت در سازمان جهانی تجارت سلسله‌مراتب وجود دارد.^{۲۴} با استناد به ماده‌ی ۱۹ موافقت‌نامه‌ی حل اختلاف که اولین و اصلی‌ترین اقدام پنل یا محکمه‌ی تجدیدنظر را توصیه به انطباق اعمال متخلفانه با مقررات سازمان می‌داند و بند ۱ ماده‌ی ۲۲ موافقت‌نامه که پرداخت غرامت را اقدامی موقتی قلمداد می‌کند و بند ۸ ماده‌ی ۲۲ که ادامه‌ی نظارت‌ها تا زمان انجام تعهدات را مقرر می‌دارد، می‌توان گفت که موافقت‌نامه «مشخصاً برای الزام به اجرای تعهدات اولویت قائل است».^{۲۵} بنابراین هدف اصلی به کارگیری شیوه‌های جبران خسارت، از سرگیری اجرای تعهدات نقض شده می‌باشد.

ب) تصمیمات نهادهای حل اختلاف

دولت‌های عضو سازمان، برای اولین بار به این توافق رسیدند که در ماده‌ی ۱۹ موافقت‌نامه‌ی حل اختلاف به طور خاص، به موضوع تصمیم‌گیری و اعمال شیوه‌های جبران خسارت توسط نهادهای حل اختلاف سازمان (اعم از پنل‌ها یا محاکم تجدیدنظر) بپردازند.

ماده‌ی ۱۹ موافقت‌نامه دو شیوه‌ی متفاوت تصمیم‌گیری را بیان داشته است: یک. از یک طرف، این تعهد برای نهادهای حل اختلاف سازمان مقرر شده که به

۲۴. لازم به ذکر است که این سلسله‌مراتب به گونه‌ای محسوس در حقوق بین‌الملل عمومی نیز وجود دارد. طرح پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، تأکید می‌نماید دولتی که مرتکب نقض مقررات شده است همواره این تعهد را بر عهده دارد که تعهداتی که نقض کرده را اجرا نماید و این که هرگونه اقدام متقابل یا مجازاتی باید به دنبال وادار نمودن دولت به اجرای تعهداتش باشد.

25. Jackson, John and Tiago, Rafael Juk Benke, "The WTO Cases on Us Trade Remedies, Opening a Discussion", Journal of International Economic Law, Vol. 6, No.1, 2003, p. 111.

دولت عضوی که قواعد سازمان را نقض کرده، توصیه کنند^{۲۶} که منطبق با تعهدات بین‌المللی که پذیرفته‌اند رفتار نمایند؛ و

دو. از سوی دیگر، این امکان به نهادهای حل اختلاف سازمان داده شده تا راه-کارهای اجرایی تعهدات را به اعضا پیشنهاد نمایند.^{۲۷}

(۱) کاربرد توصیه‌ها و پیشنهادها

همان‌طور که گفته شد نهادهای حل اختلاف سازمان جهانی تجارت، با توصیه به دولت متخلف از او می‌خواهند که به تعهداتی که پذیرفته پایبند باشد؛ در نتیجه این امکان برای دولت فراهم می‌شود که خود شیوه‌ی جبران خسارتی را که مناسب می‌داند انتخاب نماید. اما این که شیوه‌ی جبرانی اتخاذ شده، شیوه‌ی مناسبی برای جبران خسارت هست یا نه صرفاً به نظر و رضایت دولت متخلف نیست، چه این که ممکن است در نهایت اقدام‌های انجام شده در برابر نهادهای حل اختلاف سازمان مورد اعتراض یا تردید قرار گیرند.^{۲۸}

رویه‌ی عملی نشان می‌دهد که به جز در موارد استثنایی،^{۲۹} پنل‌ها از مرحله‌ی توصیه فراتر نرفته‌اند.^{۳۰} نکته‌ی جالب این است که در بند ۷ ماده‌ی ۳، هدف نظام حل اختلاف ارائه‌ی یک راه‌حل مثبت برای خاتمه دادن به اختلافات اعلام شده است؛ تأکید بر مثبت

26. Recommend.

27. Suggest.

28. Spemann, Holger, "Standard of Review for WTO Panels in Trade Remedy Cases", p. 54, at: <http://www.ssrn.com/abstracts=9801002>.

29. Panel Report, United States-Textile, Complaint by Costa Rica (US-Textile), WT/DS24/R, 8 November 1996, and Guatemala-Antidumping Investigation Regarding Portland Cement from Mexico (Guatemala-Cement), WT/DS60/R, 19 June 1998.

۳۰. در قضیه‌ی گوآتمالا، پنل رسیدگی کننده پیشنهاد کرد که گوآتمالا تعهدات آنتی‌دامپینگ تحمیل شده را لغو کند. در اصل لغو متفاوت از خاتمه یا توقف می‌باشد؛ از این جهت که مورد اخیر اثری غیر قابل انکار نسبت به آینده دارد در حالی که اثر لغو نسبت به گذشته است.

بودن راه‌حل بدین معنی است که صرف طرح اختلاف و برنده یا بازنده شدن یک یا چند دولت عضو، هدف اصلی و غایی این نظام نیست، بلکه باید راهی یافت که به تحکیم مقررات و شیوه‌های اجرایی آن‌ها در این نظام کمک کند. علاوه بر این ماده، در موارد دیگری نیز به این مهم اشاره شده است؛ برای مثال، هنگامی که بحث از مقابله به مثل یا اخذ غرامت از دولت یا دولت‌های خاطی، به میان می‌آید گفته می‌شود که آن‌ها راه‌حل‌هایی موقتی هستند، بنابراین نمی‌توان آن‌ها را هدف غایی نظام حل اختلاف دانست.^{۳۱}

رویه‌ی جاری و طبیعی نظام حل اختلاف سازمان جهانی تجارت نشان می‌دهد که پنل‌ها در عمل توصیه‌های خنثا و کلی را به پیشنهادها تحریک‌کننده ترجیح می‌دهند. ضمن این که به نظر می‌رسد اعضای سازمان جهانی تجارت، یا دست کم بعضی از آن‌ها نظر چندان مساعدی نسبت به صلاحیت نهادهای حل اختلاف برای ارائه‌ی راه‌کارهای اجرایی نداشته‌اند و به همین علت پیشنهادها نهادهای حل اختلاف را نپذیرفته‌اند؛ برای مثال، در *قضیه‌ی فولاد ضدزنگ*، ایالات متحده با صلاحیت پنل برای پیشنهاد به استرداد جرمه‌های اخذ شده مخالف بود و به همین دلیل از پذیرفتن و اجرای این پیشنهاد امتناع کرد.^{۳۲} در *قضیه‌ی سیمان مکزیکی* نیز این موضوع به نحو مشخص‌تری مطرح گردید: پنل به ایالات متحده‌ی آمریکا پیشنهاد می‌کند که دستورات مربوط به جرمه‌های آنتی دامپینگ در خصوص سیمان سیاه و تصفیه‌کننده‌های سیمان از مکزیکی را لغو نماید و هر جرمه‌ای

۳۱. کدخدائی، عباس، «نگرشی بر ساختار مرجع حل اختلاف در سازمان جهانی تجارت»، مجله حقوقی، دفتر خدمات حقوق بین‌الملل جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۶، شماره‌ی ۲۱، ص. ۱۳۸.

32. Sykes, Alan, "The Persistent Puzzles of Safeguards: Lessons From the Steel Dispute", *Journal of International Economic Law*, Oxford University Press, 2004, Vol.7 (3), p. 544.

که از این بابت دریافت کرده را مسترد یا به عنوان امانت قلمداد نماید،^{۳۳} اما ایالات متحده از پذیرفتن این پیشنهاد سرباز زد.

پرسش مهم دیگری که در این جا مطرح می‌شود این است که اگر دولت متخلف ملزم به تبعیت از پیشنهادهای ارائه شده توسط پنل‌ها نباشد، چه فایده‌ای بر این پیشنهادها مترتب خواهد بود؟ در پاسخ باید گفت که اگر نهادهای حل اختلاف پیشنهادی را در خصوص نحوه‌ی اجرای تعهدات ارائه کنند و این پیشنهاد عینا اجرا شود، فرض بر این خواهد بود که تصمیمات پنل اجرا شده‌اند. به عبارت دیگر:

یک. هر زمان که پنل علاوه بر توصیه به پایبندی به تعهدات، راهی را برای اجرای تعهدات بین‌المللی به اعضای سازمان پیشنهاد کند؛ و
دو. دولت عضو پیشنهاد پنل را اجرا کند،

فرض بر این خواهد بود که این دولت، تعهدات بین‌المللی خود را اجرا کرده است. اما اگر تصمیم پنل مشتمل بر هیچ پیشنهادی نباشد، چه وضعیتی پیش خواهد آمد؟ در این حالت، اعضای سازمان جهانی تجارت آزاد خواهند بود که هر اقدامی را که برای اجرای تعهدات بین‌المللی‌شان لازم می‌دانند، انجام دهند. تنها محدودیتی که بر صلاح دید آنها وارد است، رعایت ضرورت‌های ناشی از اصل حسن نیت است.^{۳۴} بنابراین مطلب مهم این است که دولتی که مرتکب نقض تعهدات بین‌المللی شده است، با حسن نیت و به هر شکل ممکن، این اقدام‌ها را خاتمه داده و از تکرار دوباره‌ی آنها خودداری کند.

(۲) ماهیت توصیه‌ها و پیشنهادها

ماهیت توصیه‌ها: لازم است یادآوری کنیم که توصیه‌ها با تصمیم نهادهای حل

33. United States- Anti-Dumping Duties on Gray Portland Cement and Cement Clinker from Mexico (US-Gray Portland Cement), AD/82, 9 July 1992, para. 2.

34. Grane, Patrico, "Remedies Under WTO Law", Journal of International Economic Law, Oxford University Press, Vol.4, No.4, 2001, p. 764.

اختلاف سازمان جهانی تجارت مبنی بر این که عمل مغایر با مقررات صورت گرفته، همراه هستند، در حالی که همراه شدن پیشنهادها با چنین تصمیمی حتمی نیست. قسمتی از ماده‌ی ۱۹ در ارتباط با این موضوع مقرر می‌دارد:

«هر گاه پنل یا محکمه‌ی تجدیدنظر به این نتیجه برسد که اقدامی مغایر با موافقت-نامه‌ی مربوط به موضوع می‌باشد، توصیه خواهد نمود که ...».

بنابراین وجود توصیه حاکی از آن است که نقض حق یا منافع دولت خواهان احراز شده است. در صورت احراز ارتکاب عمل زیان‌بار، توصیه‌ها بخش جدایی‌ناپذیری از تصمیمات نهادهای حل اختلاف سازمان جهانی تجارت، می‌باشند. در نتیجه باید از همان قدرت و الزامی برخوردار باشند که برای قبول گزارش پنل یا محکمه‌ی تجدیدنظر وجود دارد.

اگرچه موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت مقرراتی را در خصوص نحوه‌ی تصمیم‌گیری سازمان بیان می‌دارند، اما اشاره‌ای به الزام‌آور بودن این تصمیمات ندارند. با این حال، نباید این واقعیت را نادیده گرفت که توقف اعمال خلاف مقررات لازمه‌ی اصل وفای به عهد بوده و برای همه‌ی دول عضو سازمان الزام‌آور می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت که تصمیم رکن حل اختلاف در قبول گزارش پنل یا مرجع تجدیدنظر و توصیه‌هایی که در پی آن مطرح می‌شود، برای مخاطبان آن الزام‌آور می‌باشد.

توصیه‌ی نهادهای حل اختلاف به این معناست که از نظر این نهادها صرف اعلام ارتکاب یک عمل مغایر با مقررات کافی نمی‌باشد. برای مثال فرض کنیم که یک دولت عضو سازمان جهانی تجارت محدودیت‌هایی را برای واردات گندم از ژانویه تا مارس ۱۹۹۸ مقرر نماید. سپس پیرو طرح موضوع، مرجع تجدیدنظر در ژانویه‌ی سال ۲۰۰۰ تصمیم خود را صادر و علاوه بر اعلام غیرقانونی بودن اقدام آن دولت، درخواست دولت شاکی برای اعمال ماده‌ی ۱۹ موافقت‌نامه‌ی حل اختلاف را بپذیرد؛ در نتیجه توصیه می‌کند که دولت متخلف باید اقدام‌های خود را منطبق با تعهدات بین‌المللی‌اش نماید. در چنین حالتی، برای این که بر این توصیه معنایی مترتب باشد، باید پایان دادن به عمل متخلفانه‌ای

که قبلاً انجام شده، با پرداخت غرامت به دولت عضو سازمان جهانی تجارت که از این عمل متخلفانه زیان دیده است همراه باشد.

ممکن است معنای توصیه جایی که ارتکاب عمل متخلفانه، در جریان رسیدگی نهادهای حل اختلاف هم‌چنان ادامه دارد، متفاوت باشد؛ مثلاً در حالتی که محدودیت‌های کمی بر واردات گندم هنگام تصمیم‌گیری نهادهای حل اختلاف سازمان، هم‌چنان ادامه داشته باشد،^{۳۵} توصیه می‌تواند به این معنی باشد که عمل متخلفانه باید متوقف شود.

ماهیت پیشنهادها: از نظر اصطلاحی نه پیشنهاد و نه توصیه معنای الزام را نمی‌رساند، اما برای پاسخ به این پرسش که آیا در چارچوب سازمان جهانی تجارت «پیشنهادهای الزام‌آور هستند یا نه باید رویه‌ی نهادهای حل اختلاف سازمان جهانی تجارت را بررسی نمود.

کسانی که اعتقاد دارند پیشنهادها برای دولت‌های عضو الزام‌آور نیست چنین استدلال می‌کنند:

به موجب متن ماده‌ی ۱۹ موافقت‌نامه‌ی حل اختلاف، نهادهای حل اختلاف سازمان جهانی تجارت می‌توانند راه‌کارهای اجرایی را برای اجرای توصیه‌ها به دولت پیشنهاد نمایند. در واقع، به نظر می‌رسد که واژه‌ی «می‌توانند» نشان‌دهنده‌ی این است که پیشنهادها پل‌ها برای اعضای سازمان جهانی تجارت الزام‌آور نیستند و در نتیجه دول عضو همیشه می‌توانند به دنبال راه‌حل مناسبی غیر از پیشنهادها ارائه شده توسط پل‌ها باشند؛ به عبارت دیگر، ممکن است راه‌هایی وجود داشته باشد که در پیشنهادها پل‌ها

۳۵. بحث‌های بسیاری در حقوق بین‌الملل در مورد معنای واژه‌ی «عمل مستمر» (یا عملی که هنوز ادامه دارد) مطرح شده است. بر اساس تفسیر مندرج در گزارش کمیسیون حقوق بین‌الملل، حتی جایی که تنها آثار عمل باقی مانده است می‌توان گفت که آن عمل هم‌چنان ادامه دارد؛ برای مثال، اگر مصادره‌ی اموال در گذشته اتفاق افتاده باشد، اما خسارات ناشی از آن جبران نشده باقی مانده باشد، هم‌چنان در حال ارتکاب محسوب می‌شود.

لحاظ نشده باشند اما اگر مورد قبول قرار گیرند، منجر به اجرای تعهدات دولت شوند. در مقابل عده‌ای دیگر با استناد به شق «ج» از بند ۱ ماده‌ی ۲۶ که به بررسی پیشنهادهای پنهانها در دعاوی بدون ادعای نقض مقررات می‌پردازد، نظر متفاوتی را مطرح می‌کنند. این ماده مقرر می‌دارد:

«... این پیشنهادها برای دولت‌های طرف اختلاف لازم‌الاجرا نیستند».

طرف‌داران این نظر اعتقاد دارند که «موافقت‌نامه‌ی حل اختلاف، درباره‌ی دعاوی بدون ادعای نقض مقررات صراحتاً مقرر می‌دارد که پیشنهادهای پنهانها برای طرفین اختلاف الزام‌آور نیستند، اما در دعاوی با ادعای نقض مقررات چنین قاعده‌ای وجود ندارد. بنابراین به نظر می‌رسد که می‌توان چنین استنباط کرد که پیشنهادهای مربوط به دعاوی همراه با ادعای نقض مقررات برای طرفین اختلاف ایجاد الزام می‌نمایند».^{۳۶}

این نظر بر استدلالی بسیار ضعیف بنا شده است. تردیدی نیست که در صورت وجود ابهاماتی از این قبیل قاضی نمی‌تواند در حالت سکوت متن چنین نتیجه‌ی دور از ذهنی را بپذیرد؛ چه این که محدود نمودن حاکمیت و اراده‌ی دولت‌ها هرگز نباید به این سادگی انجام شود.

علاوه بر این، از عبارت‌پردازی ماده‌ی ۱۹ موافقت‌نامه‌ی حل اختلاف چنین بر می‌آید که در ارتباط با نحوه‌ی اجرای تعهدات، تکلیف اصلی که برای اعضا سازمان در نظر گرفته شده، تعهد به نتیجه می‌باشد و ابزار رسیدن به نتیجه‌ی مورد نظر از پیش تعیین نشده‌اند؛ در نتیجه پیشنهاد نهادهای حل اختلاف در حقیقت راه کار پیشنهادی برای رسیدن به نتیجه‌ی مورد نظر می‌باشند. بنابراین، پیشنهاد یک تعهد رفتاری است. اگر راه‌های مختلفی برای رسیدن به نتیجه‌ی مورد نظر وجود داشته باشد، اجرای پیشنهاد را نباید به عنوان تعهدی برای رسیدن به نتیجه‌ی مورد نظر قلمداد نمود. همچنان که ممکن است دولت عضو

36. Berendson, Betty, "Non-Violation Complaints under the WTO Agreement: Time to Let Go", p. 23, at: www.ictsd.org.

سازمان در وضعیتی باشد که مسیری متفاوت از آنچه پیشنهاد شده را دنبال نماید و به همان نتیجه‌ی مورد نظر هم برسد. بر همین اساس موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت اولویت را بر نتیجه قرار داده‌اند، نه شیوه و ابزاری که برای رسیدن به آن نتیجه استفاده می‌شود.

یکی از پنل‌های سازمان جهانی تجارت که این فرصت را به دست آورده که درباره‌ی این موضوع اظهار نظر نماید، این گونه نتیجه‌گیری کرده که پیشنهادها الزام‌آور نیستند. پنل بیان داشته در مورد اخیر که مربوط به تحمیل جریمه‌های آنتی‌دومپینگ می‌باشند، دولت خواهان (مکزیک)، از پنل درخواست نمود که حکم دهد دولت خوانده باید جریمه‌هایی که وضع نموده را لغو کند و مبالغ دریافتی را مسترد نماید؛ چرا که تحمیل جریمه‌های آنتی‌دومپینگ مغایر با مقررات مربوط به موضوع، در سازمان جهانی تجارت بوده است.

پنل پس از بررسی ماده‌ی ۱۹ موافقت‌نامه‌ی حل اختلاف، به این نتیجه رسید که: پیشنهادهای مربوط به نحوه‌ی اجرا، بخشی از توصیه‌ها نیستند و برای دولت عضو ایجاد الزام نمی‌نمایند. بنابراین وقتی در یک اختلاف پنل به این نتیجه می‌رسد که دولت عضو مقررات موافقت‌نامه‌ی آنتی‌دومپینگ را نقض نموده، مطابق بند ۱ ماده‌ی ۱۹ لازم است که توصیه نماید که این دولت اعمال یا اقدام‌های خود را با مقررات موافقت‌نامه‌ی آنتی‌دومپینگ منطبق نماید. به علاوه پنل می‌تواند راه‌هایی را که اعتقاد دارد از طریق آن‌ها دولت عضو می‌تواند به گونه‌ای مناسب، آن توصیه‌ها را اجرا نماید نیز پیشنهاد کند. این موضوع به موجب بند ۳ ماده‌ی ۲۱ موافقت‌نامه‌ی حل اختلاف تایید شده است؛ آن‌جا که می‌گوید: «در جلسه‌ی نهاد حل اختلاف که ظرف ۳۰ روز بعد از تاریخ قبول گزارش پنل یا مرجع تجدیدنظر برگزار می‌شود، دولت عضو باید نهاد حل اختلاف را از قصد خود در خصوص اجرای توصیه‌ها و تصمیمات آن مطلع نماید». «از نظر ما، این عبارات صراحتاً اختلاف میان توصیه‌های پنل و شیوه‌هایی که باید در اجرای آن‌ها به کار گرفته شود را نشان می‌دهد. به هر حال، انتخاب وسایل و شیوه‌ها در وهله‌ی اول توسط دولت انجام می‌شود. البته ممکن است که دولتی که حکم به نفع او صادر شده است از شیوه‌ی عمل و اجرایی که دولت عضو انتخاب نموده است، راضی نباشد. موافقت‌نامه‌ی حل اختلاف این

احتمال را قبول دارد و راه‌حلی را ارائه می‌نماید برای این که در روند حل اختلاف، این تعارض‌ها را مرتفع نماید.^{۳۷}

به نظر می‌رسد که استنباط مذکور در بالا راه‌حل درستی را ارائه می‌نماید، هرچند دلایل و استدلال‌های آن خیلی قوی به نظر نمی‌رسند. با این حال نتیجه‌گیری پنل به نظر صحیح می‌رسد، مخصوصاً در پرتو تفسیرهای ضمنی که از بند ۳ ماده‌ی ۲۱ داشته است؛ پنل به طور ضمنی پذیرفته که بند ۳ ماده‌ی ۲۱ هم وضعیت‌هایی که پنل، توصیه‌ای ساده ارائه نموده و هم وقتی پنل، راه‌هایی برای اجرای توصیه‌ها، پیشنهاد می‌کند را تحت پوشش قرار می‌دهد.^{۳۸}

در اختلاف میان ژاپن و ایالات متحده در خصوص انطباق مقررات آنتی‌دامپینگ ایالات متحده با مقررات سازمان جهانی تجارت، این موضوع دیگر بار مطرح شد. در گزارش پنل در مورد قانون آنتی‌دامپینگ ۱۹۱۶ ایالات متحده استدلال‌هایی مطرح شده که نشان‌دهنده‌ی اعتقاد پنل به دیدگاهی است که پیشنهادها را الزام‌آور نمی‌داند. ژاپن از پنل خواسته است که در صورت تایید مغایرت قانون ایالات متحده با مقررات سازمان، پیشنهاد نماید که ایالات متحده این مقررات را نسخ کند. پس از بررسی موضوع، پنل با اعلام مغایرت قانون ایالات متحده با مقررات سازمان چنین مقرر می‌دارد:

«در نتیجه به پیشنهاد ما یکی از راه‌هایی که ایالات متحده می‌تواند از طریق آن پایبندی خود به تعهداتش را نشان دهد این است که قانون ۱۹۱۶ را نسخ کند».^{۳۹}

بنابراین به نظر می‌رسد که گزارش پنل با استفاده از عبارت پردازی بالا، دیدگاهی را

37. Panel Report, Guatemala–Cement, op.cit., para 8.2-8.3.

38. Bown, Chad, "Trade Remedies and World Trade Organization Dispute Settlement: Why Are So Few Challenged?", World Bank Policy Research Working Paper 3540, March 2005, p. 12.

39. Panel Report, United States-Continued Dumping and Subsidy Offset Act (US-Offset Act), WT/DS162/R, 29 May 2000, para. 64.

تایید می‌کند که به موجب آن پیشنهادها برای مخاطبانشان ایجاد الزام نمی‌نمایند. به هر حال، این موضوع که آیا پیشنهادها الزام‌آور هستند یا نه باید کاملاً جدای از این موضوع که اثر حقوقی این پیشنهادها چیست، در نظر گرفته شود. البته باید توجه داشت که به هر حال پیشنهادهای پنل‌ها عاری از نتایج و آثار حقوقی نیستند؛ برای دولت عضو بهترین گزینه‌ای که برای عمل به تعهداتش می‌تواند وجود داشته باشد این است که به پیشنهاد نهادهای حل اختلاف عمل کند. عمل به پیشنهاد نهادهای حل اختلاف بهترین راه‌کاری است که از طریق آن این دولت می‌تواند پنل و سایر اعضا را نسبت به ایفای تعهداتی که به موجب مقررات سازمان داشته است قانع کند. به عبارت دیگر، در صورتی که این دولت پیشنهاد پنل را اجرا نماید، اصل بر این خواهد بود که وی به تعهدات خود عمل نموده و اقدام‌های بعدی‌اش قانونی می‌باشند؛ در مقابل اگر پیشنهادهای پنل را دنبال و اجرا ننماید، باید دلایل قابل قبولی ارائه کند که ثابت نماید، اقدام‌های اجرایی که انتخاب کرده، تعهد اصلی وی برای انجام تعهدات سازمان را محقق نموده است.

به هر حال، نهادهای حل اختلاف سازمان، به جز در مواردی که ناچار شده‌اند، تمایل چندانی برای ارائه‌ی پیشنهاد در کنار توصیه‌هایشان نداشته‌اند. بنابراین، این وظیفه‌ی اعضای سازمان جهانی تجارت است که پنل‌ها را وادار به انجام این کار نمایند تا به این ترتیب از ابهاماتی که بعداً در خصوص اقدام‌های اجرایی رخ خواهد داد جلوگیری کنند. در چنین موردی، پنل‌ها ناچار خواهند بود که چنین خواسته‌ای را لحاظ نموده و آن را بپذیرند یا رد نمایند ولی به هر حال باید آن را در رسیدگی خود مدنظر قرار دهند.

به هر رو، مطالب گفته شده در بالا را می‌توان به شرح زیر خلاصه نمود:

یک) توصیه‌ها برای مخاطبان خود ایجاد الزام نمی‌نمایند. معنای دقیق توصیه‌ها باید برای مخاطبان آنها مشخص شود. توصیه‌ها ممکن است معنایی دقیق (مانند پرداخت غرامت برای خسارات ایجاد شده) داشته باشند.

دو) پیشنهادها برای مخاطبان خود ایجاد الزام نمی‌نمایند. با این حال این نتیجه به معنای این نیست که آنها عاری از هرگونه اثر حقوقی می‌باشند. در واقع، اگر دولت عضو

سازمان جهانی تجارت از پیشنهادی که به وی شده است تبعیت کند، به خودی خود مطابق با تعهدات بین‌المللی‌اش رفتار کرده است. بنابراین، تبعیت از پیشنهادی پنل‌ها و مرجع تجدیدنظر بهترین راه کار حقوقی است که می‌توان در راستای اجرای تعهدات دولت به وی توصیه نمود.

۳) اجرای توصیه‌ها و پیشنهادها

گفتیم که در خصوص نحوه‌ی اجرای توصیه‌ها و پیشنهادها باید میان دو وضعیت قائل به تفکیک شد. در وضعیت اول، نهاد حل اختلاف سازمان پیشنهادهایی را در گزارش خود ارائه می‌نماید. در این حالت، همین که دولت محکوم‌علیه از این پیشنهادها تبعیت کند، با حسن نیت گزارش پنل را اجرا کرده است. حال اگر آن دولت از این پیشنهادها تبعیت نکند، و راه و شیوه‌ی دیگری را برای اجرا و انطباق با تعهداتی که به موجب مقررات سازمان دارد، انتخاب نماید، مسئله‌ی انتخاب روش اجرای این تعهدات به همان شکلی که در شق دوم مدنظر است، مطرح خواهد شد. حالت دوم این که، نهاد حل اختلاف سازمان هیچ پیشنهادی ارائه نکرده باشد یا از پیشنهادهایی که ارائه نموده تبعیت نشده باشد، در این حالت، دولت محکوم‌علیه صلاحیت و اختیار وسیعی خواهد داشت که هرگونه راه‌حل و وسیله‌ای را که برای انجام تعهداتش به موجب مقررات سازمان مناسب می‌داند انتخاب کند. حال اگر میان طرفین در خصوص کافی بودن اقدام‌های اجرایی اختلاف بروز نماید، دولت خواهان می‌تواند از پنل (در صورت امکان پنل رسیدگی‌کننده به دعوای اصلی) درخواست کند که در این خصوص اظهارنظر کند (بند ۵ ماده‌ی ۲۱ موافقت‌نامه‌ی حل اختلاف). این پنل در اصطلاحات سازمان جهانی تجارت پنل مطابقت^{۴۰} نامیده می‌شود. در نهایت چنانچه احراز شود که دولت محکوم‌علیه به تعهد خود عمل نکرده است، دولت دیگر حق خواهد داشت که با لغو امتیازات، مبادرت به مقابله به مثل نماید.

40. Compliance Panel.

دولت محکوم‌علیه می‌تواند با انجام برخی اقدامات به ظاهر هم‌جهت با توصیه‌های پنل برای اجرای تعهداتش، از توسل دولت محکوم‌له به مقابله به مثل جلوگیری کند. اگر اقدام‌های انجام شده به نظر دولت محکوم‌له کافی نباشند، تنها کاری که آن دولت می‌تواند انجام دهد این است که از پنل مطابقت بخواهد که در مورد کافی بودن یا نبودن این اقدام‌ها اظهارنظر کند و تنها در صورتی که اثبات شود که توصیه‌ها و احکام ظرف مدت زمان معقولی به اجرا در نیامده‌اند، مقابله به مثل جایز خواهد بود. در واقع بند ۶ ماده‌ی ۲۲ موافقت‌نامه‌ی حل اختلاف تصریح دارد که درخواست برای مقابله به مثل زمانی بررسی خواهد شد که دولت عضو در اجرای تعهدات بین‌المللی‌اش موفق نبوده باشد.

سوءنیت^{۴۱} دولت محکوم‌علیه سبب می‌شود که این دولت با انجام برخی اقدام‌ها که به ظاهر در راستای تبعیت از توصیه‌ی پنل هستند، اقدام‌های اجرایی را به تعویق اندازد. بنابراین، این دولت از انجام تعهدات خود حداقل برای یک دوره‌ی زمانی محدود، شانه خالی خواهد کرد. البته نباید فراموش کرد که به این ترتیب دولت مذکور خود را در معرض خطر مقابله به مثل قرار خواهد داد.^{۴۲}

مسئله‌ی دیگر این است که آیا اعضای سازمان جهانی تجارت می‌توانند با انجام برخی اقدام‌های اجرایی برای همیشه اجرای توصیه‌های پنل را معوق گذارند؟ به نظر بهتر است که بگوییم چنین امکانی وجود ندارد، برای مثال با فرض این که دولت خواننده در پایان یک مدت زمان معقول، اقدام‌هایی را در راستای ایفای تعهدات بین‌المللی‌اش انجام دهد که از جانب دولت خواهان ناکافی محسوب شده و سبب بروز اختلاف میان این دو شود، این اختلاف به موجب بند ۵ ماده‌ی ۲۱ موافقت‌نامه‌ی حل اختلاف باید به پنلی که به این موضوع رسیدگی کرده ارجاع گردد. حال اگر پنل نیز به این نتیجه برسد که اقدام‌های

41. *Mala Fides*.

42. Charnovitz, Steve, "Rethinking WTO Trade Sanction", *American Journal of International Law*, Vol. 95, No.4, 2001, p. 821.

اجرایی دولت خوانده ناکافی بوده است، دولت خوانده از تصمیم پنل درخواست تجدیدنظر خواهد کرد. حکم مرجع تجدیدنظر در چنین موردی به این مسئله خواهد پرداخت که آیا اقدام‌های اجرایی دولت خوانده کافی بوده است یا نه. بنابراین، اگر مرجع تجدیدنظر گزارش پنل در این ارتباط را تایید کند، این تصمیم پایان ماجرا خواهد بود.

مطلب دیگری که باعث بروز اختلاف میان دولت‌های عضو سازمان شده این است که آیا مبادرت به مقابله به مثل تنها بعد از اظهارنظر پنل مطابقت مبنی بر عدم کفایت اقدام‌های صورت گرفته ممکن خواهد بود یا دولت محکوم‌له این حق را دارد که به صرف تشخیص خود، برای مبادرت به مقابله به مثل درخواست مجوز نماید؟ در قضیه‌ی موز دولت ایالات متحده بیان داشت که هر زمان که یک دولت عضو سازمان جهانی تجارت از شیوه‌ای که دولت محکوم‌علیه برای اجرای تعهداتش در پیش گرفته ناراضی باشد، حق خواهد داشت که برای توسل به مقابله به مثل درخواست مجوز نماید، حتی قبل از آن که پنل مطابقت به این نتیجه برسد که اقدام‌های اجرایی ناکافی بوده‌اند.

رژیم موز اتحادیه‌ی اروپا بیش از ۱۰ سال در نهادهای قضایی گات و سازمان جهانی تجارت مورد انتقاد و اعتراض بوده است. اتحادیه‌ی اروپا در هیچ یک از نزاع‌ها و دعاوی مطرح در این خصوص موفق نبود و بدون این که مشکل تبعیض آمیز بودن این نظام را حل کند، در سیاست‌های خود تغییراتی را ایجاد نمود (پنل‌ها اساساً به این نتیجه رسیدند که نظام تبعیض آمیز موز در اتحادیه‌ی اروپا منجر به نقض اصل عدم تبعیض گات گردیده است). در آخرین دور رسیدگی، دولت ایالات متحده از ترتیبات اتحادیه‌ی اروپا در این خصوص اظهار نارضایتی نمود و قبل از این که پنلی که از قبل ایجاد شده بود به این نتیجه برسد که اصلاحات اخیر در نظام موز اتحادیه‌ی اروپا در اجرای توصیه‌های پنل کافی بوده است یا نه، برای توسل به اقدام‌های متقابل علیه اتحادیه‌ی اروپا درخواست مجوز کرد.

اتحادیه‌ی اروپا به این روند اعتراض کرد و استدلال نمود، درخواست مقابله به مثل قانوناً زمانی از جانب نهادهای حل اختلاف سازمان پذیرفته می‌شود که پنل مطابقت قبلاً به این نتیجه رسیده باشد که اقدام‌های اجرایی دولت متخلف ناکافی بوده است. به عبارت

دیگر اتحادیه‌ی اروپا اعتقاد داشت میان بند ۵ ماده‌ی ۲۱ و بند ۶ ماده‌ی ۲۲ سلسله‌مراتب و ترتیب مراجعه وجود دارد. در نتیجه اتحادیه‌ی اروپا از داوران مسئول رسیدگی درخواست نمود که تصمیم‌گیری در خصوص درخواست ایالات متحده برای مقابله به مثل را تا اعلام تصمیم پنل مطابقت به تعویق اندازند. داوران استدلال اتحادیه‌ی اروپا را نپذیرفتند و به طور ضمنی نظر ایالات متحده را قبول کردند که به موجب آن، هیچ ترتیب و سلسله‌مراتبی را میان بند ۵ ماده‌ی ۲۱ و بند ۶ ماده‌ی ۲۲ موافقت‌نامه‌ی حل اختلاف نمی‌توان اثبات کرد.^{۴۳} برخی منتقدین اعتقاد دارند که این نظریه نادرست است. به باور آن‌ها زمانی که داوران درخواست ایالات متحده را پذیرفتند هیچ یک از نهادهای حل اختلاف سازمان به این نتیجه نرسیده بودند که اقدام‌های اتحادیه‌ی اروپا ناکافی بوده است، در حالی که این موضوع مورد اختلاف ایالات متحده و اتحادیه‌ی اروپا بوده و تنها با مراجعه به پنل، قابل حل بود.

در واقع داوران این نظر را که باید میان پنل مطابقت مقرر در بند ۵ ماده‌ی ۲۱ و درخواست مقابله به مثل که در بند ۶ ماده‌ی ۲۲ مقرر شده است، سلسله‌مراتب وجود داشته باشد نپذیرفته‌اند و این نظر را ضربه به نظام سازمان جهانی تجارت می‌دانند.^{۴۴} داوران درخواست اتحادیه‌ی اروپا برای به تعویق انداختن روند رسیدگی داوری تا زمانی که پنل (و طبیعتاً مرجع تجدیدنظر) به این نتیجه برسد که اقدام‌های اجرایی اتحادیه‌ی اروپا ناکافی بوده است را نپذیرفتند. در واقع، بر اساس نتیجه‌گیری آن‌ها، بند ۵ ماده‌ی ۲۱ موافقت‌نامه‌ی حل اختلاف زائد به نظر می‌رسد، زیرا دولت خواهان می‌تواند با اعتراض به عدم کفایت اقدام‌های اجرایی که توسط خوانده انجام شده، در پایان مدت زمان معقول مقرر مبادرت به اقدام‌های تلافی‌جویانه نماید.

43. WT/DS27/ARB of 9 April 1999, at 3, para. 2.9.

44. Jackson, John and Grane, Patricio, "The Saga Continues: an Update Banana Dispute and Its Procedural Offspring", Journal of International Economic Law, Oxford University Press, Vol. 4, No. 3, 2001, pp. 534-536.

اساس مخالفت با این نظر داوران را می‌توان مبتنی بر اصل تفسیر موثر معاهدات، که یکی از اصول بنیادین کنوانسیون وین در خصوص حقوق معاهدات می‌باشد، دانست. به موجب این اصل، تفسیر نباید به گونه‌ای باشد که شروط یا تعهدات اضافی را برای اعضا ایجاد کند یا معاهده را فاقد معنی و مفهوم نماید. استدلال ایالات متحده به طور موثری انکار این اصل بوده است.

در نهایت باید گفت که منشا این مشکلات صلاحیت وسیعی است که در چارچوب ماده‌ی ۱۹ موافقت‌نامه‌ی حل اختلاف به دولت محکوم‌علیه برای انتخاب شیوه‌ی اجرای تعهداتش داده شده است.

از جریان مذاکرات مربوط به بازنگری در چارچوب موافقت‌نامه‌ی حل اختلاف سه نکته‌ی مهم به دست می‌آید:

۱. باید میان *پنل مطابقت* و درخواست برای اقدام‌های متقابل سلسله‌مراتب وجود داشته باشد؛ به این معنی که درخواست برای مبادرت به اقدام‌های متقابل تنها در صورتی می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد که *پنل مطابقت* قبلاً به ناکافی بودن اقدام‌های اجرایی رای داده باشد.

۲. *پنل مطابقت* و داوری، از این جهت که تصمیمات هر دو غیرقابل تجدیدنظر می‌باشند، شبیه به یکدیگرند.

۳. تصمیمات *پنل‌های مطابقت* حاکی از این خواهند بود که دولت محکوم‌علیه تنها یک دوره‌ی زمانی معقول برای هماهنگ کردن اعمال خود با تعهداتش در خصوص موضوعی که در *پنل اصلی* مطرح شده است، فرصت خواهد داشت.

در صورت تایید نهایی، پیشنهاد حاضر گام مهمی به جلو خواهد بود، هم به دلیل روشن نمودن و تاکید بر سلسله‌مراتب از قبل موجود میان تصمیم *پنل مطابقت* و مقابله به مثل و هم به خاطر این‌که با غیرقابل تجدیدنظر دانستن تصمیمات *پنل مطابقت* و در نظر گرفتن تنها یک دوره‌ی معقول زمانی، به اثرگذاری نظام حل و فصل اختلافات کمک بسیاری خواهد نمود.

نتیجه‌گیری

صرف‌نظر از پیچیدگی‌های خاصی که در تنظیم موافقت‌نامه‌های تجاری، از جمله موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت وجود دارد، آنچه در جریان مذاکرات و انعقاد موافقت‌نامه‌های تجاری اهمیت دارد این است که دولت‌ها با روی‌کردی که نسبت به حذف بیش از پیش موانع تجاری دارند، مذاکرات تجاری را به گونه‌ای ترتیب می‌دهند که منجر به ایجاد تعادل میان حقوق و تعهدات آن‌ها گردد؛ به همین دلیل دولت‌های متعاهد طیف وسیعی از مقررات حقوقی را برای حفظ این تعادل می‌پذیرند و ضرورتاً شیوه‌های مقابله با موارد نقض تعهدات را به عنوان راهی برای حفظ یا اعاده‌ی این تعادل پیش‌بینی می‌کنند.

میزان موفقیت در حفظ این تعادل بستگی به این دارد که تا چه اندازه راه‌کارهای پیش‌بینی شده در نظام حقوقی با ضرورت‌های آن نظام هماهنگی و تناسب دارد. آنچه از بررسی شیوه‌های مختلف طرح دعوا در نهادهای حل اختلاف سازمان جهانی تجارت برمی‌آید این است که در این نظام حقوقی تلاش شده تا با پیش‌بینی شیوه‌های خاص و متفاوت طرح دعوا و فراتر رفتن از مقررات مرسوم، حتی‌المقدور ضرورت‌های روابط تجاری بین‌المللی لحاظ گردد.

با این حال نمی‌توان گفت که وضع این مقررات کاملاً دقیق و بدون ابهام بوده است؛ باقی ماندن این ابهامات را می‌توان ناشی از دلایل متعددی دانست، از جمله این که در هیچ نظام حقوقی نمی‌توان قواعد حقوقی را به گونه‌ای وضع کرد که همه‌ی جوانب امر و صورت‌های مختلفی که در عمل پیش می‌آید در آن پیش‌بینی شده باشد. همین دلیل باعث می‌شود که گاهی واضعان قاعده به بیان کلیات بسنده نموده و ورود به جزئیات را به نهادهای حل اختلاف و مرحله‌ی اجرای مقررات واگذار نمایند. در خصوص شیوه‌های مختلف طرح دعوا نیز همین قاعده‌ی کلی حاکم بوده است، گرچه که این نهادها هنوز نتوانسته‌اند نقش مهمی را در رفع این ابهامات ایفا نمایند.

در خصوص ماهیت و نحوه‌ی اجرای تصمیمات نهادهای حل اختلاف نیز باید گفت

که تلاش این نظام حقوقی بر این بوده که ماهیت این تصمیمات حتی‌المقدور با ماهیت روابط تجاری هماهنگ باشد. به همین دلیل ضمن این که تصمیم نهادهای حل اختلاف برای تبعیت از تعهدات بین‌المللی و توقف اعمال خلاف این تعهدات را (در موارد نقض تعهد) لازم می‌داند به آزادی اراده‌ی دولت‌ها احترام گذاشته و اختیار و صلاحیت وسیعی را برای انتخاب راه‌های اجرای تعهدات به آن‌ها واگذار می‌نماید.

در نهایت می‌توان گفت که به دلیل لحاظ همین ضرورت‌هاست که نظام حل اختلاف سازمان توانسته است اعتماد دولت‌های عضو را در سطحی گسترده به دست آورد. چه این- که بر مبنای بسیاری از معیارها و مقیاس‌های ارزیابی، از جمله شمار اختلافاتی که در نهادهای حل اختلاف مطرح گردیده‌اند، می‌توان گفت عملکرد نظام حل اختلاف در سازمان جهانی تجارت یک موفقیت بزرگ به شمار می‌رود.

منابع

الف) فارسی

۱. اسناد حقوقی سازمان جهانی تجارت نتایج مذاکرات تجاری چندجانبه دور اروگوئه، مترجمین: مسعود طارم‌سری، ماندانا فاضل، حمیدرضا اشرف‌زاده، بهرام مستقیمی، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، چاپ دوم، ۱۳۸۵.
۲. بیگ‌زاده، ابراهیم؛ کلینی، شهناز؛ یاقوتی، منیژه، حقوق سازمان‌های بین‌المللی، جلد اول (سازمان‌های جهانی)، انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۸۲.
۳. جکسون، جان، «نهادهای بین‌المللی تجارت: گات و سازمان جهانی تجارت»، ترجمه-ی محمدجعفر قنبری جهرمی، مجله‌ی حقوقی، دفتر خدمات حقوق بین‌الملل جمهوری اسلامی ایران، شماره‌ی ۲۸، ۱۳۸۲.
۴. دژم‌خو، غزاله، «نظام حل و فصل اختلافات در سازمان جهانی تجارت»، سازمان جهانی تجارت، ساختار، قواعد و موافقت‌نامه‌ها، شرکت چاپ و نشر بازرگانی، چاپ اول، ۱۳۸۵.
۵. صادقی، محسن؛ شهبکی‌تاش، محمدنبی، «دامپینگ و تجارت جهانی (با نگاهی به نارسایی‌های حقوقی و چالش‌های اقتصادی ایران پس از الحاق به WTO)»، مجموعه مقالات راهبرد توسعه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و عضویت در سازمان جهانی تجارت «فرصت‌ها و چالش‌ها»، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، چاپ اول، تیرماه ۱۳۸۳.
۶. فتحی، یحیی، «وضعیت تجارت خارجی ایران در چارچوب مقررات سازمان جهانی تجارت (پیامدهای احتمالی عضویت در WTO بر صادرات و واردات کشور)»، مجموعه‌ی مقالات همایش راهبردی توسعه‌ی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و عضویت در سازمان جهانی تجارت «فرصت‌ها و چالش‌ها»، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، چاپ اول، ۱۳۸۳.
۷. کدخدائی، عباس، «نگرشی بر ساختار مرجع حل اختلاف در سازمان جهانی

تجارت»، مجله حقوقی، دفتر خدمات حقوق بین‌الملل جمهوری اسلامی ایران، شماره‌ی ۲۱، ۱۳۷۶.

ب) لاتین

1. Berendson, Betty, "Non-Violation Complaints under the WTO Agreement: Time to Let Go", at: www.ictsd.org.
2. Bown, Chad, "Trade Remedies and World Trade Organization Dispute Settlement: Why Are So Few Challenged?", *World Bank Policy Research Working Paper 3540*, March 2005.
3. Charnovitz, Steve, "Rethinking WTO Trade Sanction", *American Journal of International Law*, Vol. 95, No.4, 2001.
4. Grane, Patrico, "Remedies under WTO Law", *Journal of International Economic Law*, Oxford University Press, Vol.4, No.4, 2001.
5. Hudec, Robert, "Enforcing International Trade Law: The Evolution of the Modern GATT Legal System", at: www.SSRN.com.
6. Jackson, John, "Dispute Settlement in the WTO: Policy and Jurisprudential Considerations", Research Seminar in International Economics, The University of Michigan, Discussion Paper No. 419, 1998, at: www.fordschool.umich.edu/rsie/workingpapers/Papers401-425/r419.pdf.
7. Jackson, John and Tiago, Rafael Juk Benke, "The WTO Cases on Us Trade Remedies, Opening a Discussion", *Journal of International Economic Law*, Oxford University Press, Vol.6, No.1, 2003.
8. Jackson, John and Grane, Patricio, "The Saga Continues: an Update Banana Dispute and Its Procedural Offspring", *Journal of International Economic Law*,

Oxford University Press, Vol.4, No.3, 2001.

9. Legal Arguments Concerning Non-Violation Claims, at:www.WTO.org.
10. Pescatore, P., "The GATT Dispute Settlement Mechanism: Its Present Situation and Its Prospect", *Journal of World Trade*, Vol. 27, 1993.
11. Petersmann, "Violation and Non-Violation Complaints in Public International Trade Law", *34German Yearbook of International Law*, 1991.
12. Spemann, Holger, "Standard of Review for WTO Panels in Trade Remedy Cases", at: <http://www.ssrn.com/abstracts=9801002>.
13. Sykes, Alan, "The Persistent Puzzles of Safeguards: Lessons From the Steel Dispute", *Journal of International Economic Law*, Vol.7 (3), 2004.
14. World Trade Organization, *A Handbook on the WTO Dispute Settlement System*, Cambridge University Press, 2004.
15. World Trade Organization, Negotiating Group on Dispute Settlement, 'Non-Violation Complaints under GATT Article XXIII: 2, Note by the Secretariat of the WTO, MTN.GNG/NG13/W/31, 14 July 1989, at: www.worldtradelaw.net/history/urdsu/urdsu.

ج) قضیه‌ها

16. European Communities-Measures Affecting Asbestos and Asbestos-Containing Products (EC-Asbestos), WT/DS135/AB/R, 12 March 2001.
17. Guatemala-Antidumping Investigation Regarding Portland Cement from Mexico (Guatemala-Cement), WT/DS60/R, 19 June 1998.
18. Italian Discrimination Against Imported Agricultural Machinery (Italy-Agricultural Machinery), L/833 - 7S/60, 23 October 1958.

19. Japan's Measures on Imports of Leather (Japan-Leather), L/5042 - 27S/118, 10 November 1980.
20. Japan-Measures Affecting Consumer Photographic Film and Paper (Japan-Film), WT/DS44/R, 31 March 1998.
21. United States-Measure Affecting Imports of Woven Wool Shirts and Blouses from India (US-Wool Shirts and Blouses), WT/DS33/AB/R, 25 April 1997.
22. United States-Taxes on Petroleum and Certain Imported Substances (US-Superfund Act), L/6175 - 34S/136, 5 June 1987.
23. United States-Textile, Complaint by Costa Rica (US-Textile), WT/DS24/R, 8 November 1996.
24. United States- Anti-Dumping Duties on Gray Portland Cement and Cement Clinker from Mexico (US-Gray Portland Cement), AD/82, 9 July 1992.
25. United States-Continued Dumping and Subsidy Offset Act (US-Offset Act), WT/DS162/R, 29 May 2000.